

بررسی جایگاه مشارکت بانوان و نقش آفرینی ایشان در تحولات حقوق محیط زیست با رویکردی بر نظام های بین المللی

حدیث نوری لنجان نوکابادی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده

بررسی تلاش های سازمان ملل متحد، در دو حوزه یافزایش حقوق زنان و نگاه داری از محیط زیست، گویای اهمیت بسیار زیاد مشارکت زنان در گستره بین المللی است. نقش دهی به زنان و سازمان های غیردولتی آنان، در نگاه داری از محیط زیست و دست یابی به توسعه پایدار، اهمیتی به سزا دارد و به همین دلیل، اسناد گوناگون بین المللی، مشارکت این بازیگران را مورد شناسایی قرار داده است. پژوهش پیش رو، در پی مطالعه جایگاه زنان در بخشی از حقوق بین الملل عمومی، یعنی شاخه حقوق بین الملل محیط زیست، و خواستار نشان دادن دگرگونی های بین المللی درباره مشارکت زنان، به عنوان یکی از بازیگران مهم و حیاتی در حقوق بین الملل محیط زیست است. نتایج این پژوهش مشخص می کند که در واقع زنان، فرهنگ سازان توسعه پایدار به شمار می آیند. حضور کارآمد و فعال زنان و نیز توانمندسازی آنها در چارچوب بهبود سطح زندگی، مشارکت در تصمیم گیری های کلان توسعه و دستیابی آنها به جایگاه برابر در پرتو رشد اقتصادی و اجتماعی و نیز آموزش مسائل زیست محیطی باعث می شود که فرآیند آموزش و در نتیجه حفاظت از محیط زیست تا درونی ترین لایه های اجتماع نفوذ کرده و بدون متحمل شدن هزینه های مازاد به طور غیرمستقیم بسیاری از افراد جامعه آموزش دیده و با توجه مسئولیت چند سویه زنان و نیز نقش آنها در تربیت نسل های آینده، فرهنگ زیست محیطی نهادینه شود.

واژگان کلیدی: مشارکت، زنان، حقوق بین الملل، محیط زیست.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان. (نویسنده مسئول)



مقدمه

در دنیای کنونی که محیط زیست به صورت بسیار گسترده در حال تخریب است، فرهنگ سازی در جهت صیانت از محیط زیست مبتنی بر توسعه پایدار ضروری است. مشارکت فعال زنان در جهت نهادینه کردن فرهنگ زیست محیطی و ضرورت ایجاد بسترهای لازم جهت نیل به توسعه پایدار امری است که جهانیان آن را پذیرفته و بر آن تأکید دارند (عظیمی، ۱۳۹۸: ۱۴) در واقع زنان، فرهنگ سازان توسعه پایدار به شمار می آیند. حضور کارآمد و فعال زنان و نیز توانمندسازی آنها در چارچوب بهبود سطح زندگی، مشارکت در تصمیم گیریهای کلان توسعه و دستیابی آنها به جایگاه برابر در پرتو رشد اقتصادی و اجتماعی و نیز آموزش مسائل زیست محیطی باعث می شود که فرآیند آموزش و در نتیجه حفاظت از محیط زیست تا درونی ترین لایه های اجتماع نفوذ کرده و بدون متحمل شدن هزینه های مازاد به طور غیرمستقیم بسیاری از افراد جامعه آموزش دیده و با توجه مسئولیت چند سویه زنان و نیز نقش آنها در تربیت نسل های آینده، فرهنگ زیست محیطی نهادینه شود. (آصفی راد، ۱۳۹۸: ۲۵) از آن جا که رویکردهای مشارکتی به توسعه از اوایل دهه ۹۰ میلادی مورد توجه قرار گرفته است و اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار تأکید شده است، در چنین توسعه ای، زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه به مشارکت فرا خوانده می شوند زیرا دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست (لهسایی زاده، ۱۳۹۵: ۳۴) همان طور که می دانیم شرایط محیط طبیعی یا اصطلاحاً اکوسیستم هایی که زندگی مردم کره زمین را دربر گرفته اند و به ما امکان زیستن و برخوردارگی از مواهب حیات زمینی را می دهند، خود به شدت در معرض خطرات جدی و ویرانگر قرار گرفته اند. همین امر جوامع کنونی و نیز جامعه ما را برانگیخته تا مساله اهمیت حفاظت از محیط زیست را بیش از پیش و به شیوه ای عمیق و خردمندانه بررسی کنیم. شاید رویکرد به این موضوع اندکی دیر باشد، اما بی شک برای جبران اشتباهات و رفع کاستی های گذشته هنوز می توان کارهای اساسی انجام داد این مساله زمانی ما را حساس و نگران می کند که آلودگی هوا، تنفس مردم را در شهرها سخت و مشکل نموده چنانکه آهنگ نابودی جنگل ها به گوش می رسد و مراتع و چراگاه های کشور به تدریج به صورت بیابان هایی خشک و بی آب و علف در می آیند و در نتیجه خاک، این ماده حیاتی، دستخوش فرسایش می شود، ارزش حاصل خیزی خود را از دست می دهد و از دسترس کشت کاران خارج می گردد. آلودگی آبها موجب خطر بروز و انتشار انواع بیماریها می شود، به خصوص دریاها و رودخانه ها که بر اثر ورود پساب های سمی آلوده می شوند و حیات جانوران آبی و کسانی را که از این منابع



زندگی خود را تامین می کنند ، به گونه ای زیانبار به خطر می اندازد. همچنین تنوع زیستی نیز آماج حرص و زیاده خواهی انسانی قرار می گیرد و از توازن و زیبایی محیط زیست می کاهد(سادات موسوی، ۱۳۹۶: ۷۵) اما نکته ای که باید در اینجا مد نظر قرار گیرد، این است که در بسیاری از جوامع هنوز نقش ها ، نیازها و اهمیت کار زنان چنانکه باید شناخته نشده و مورد تایید قرار نگرفته است . به همین دلیل، هرچند زنان همواره در حفظ محیط زیست کوشیده اند ، اما این بی توجهی اجتماعی نسبت به زنان و نقش خلاق آنان در شبکه نیروهای اجتماعی و فرهنگی، مانع آن شده که موقعیت مطلوبی برای شکوفایی نیروها و استعداد های این بخش از جمعیت پدید آید. از این رو می توان گفت که تقریباً در همه کشور ها آثار تخریب محیط زیست بر زنان و تاثیر زنان بر محیط ، با تاثیر و تاثر مردان در برابر اکوسیستم های حیاتی فرق داشته و به این تفاوت توجه نشده است.

۱- بیان مساله

مشارکت فعال زنان در جهت نهادینه کردن فرهنگ زیست محیطی و ضرورت ایجاد بسترهای لازم جهت نیل به توسعه پایدار امری است که جهانیان آن را پذیرفته و بر آن تأکید دارند. در واقع زنان، فرهنگ سازان توسعه پایدار به شمار می آیند. حضور کارآمد و فعال زنان و نیز توانمندسازی آنها در چارچوب بهبود سطح زندگی، مشارکت در تصمیم گیری های کلان توسعه و دستیابی آنها به جایگاه برابر در پرتو رشد اقتصادی و اجتماعی و نیز آموزش مسائل زیست محیطی باعث می شود که فرآیند آموزش و در نتیجه حفاظت از محیط زیست تا درونی ترین لایه های اجتماع نفوذ کرده و بدون متحمل شدن هزینه های مازاد به طور غیرمستقیم بسیاری از افراد جامعه آموزش دیده و با توجه مسئولیت چند سويه زنان و نیز نقش آنها در تربیت نسل های آینده، فرهنگ زیست محیطی نهادینه شود(بوذر جمهوری، ۱۳۹۶: ۵۲) زنان همواره ارتباط نزدیکی با محیط زیست دارند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از آن بهره مند می شوند. بنابراین، بجاست که به فعالیت های زیست محیطی توجه ویژه داشته باشند. زنان می توانند مسیر بسیاری از رفتارهای پرخطر بر ضد محیط زیست را تغییر دهند. اگر زنان از مشکلات و معضلات زیست محیطی و روش های مقابله با آنها آگاه شوند، تأثیر بسیاری در کودکان، اعضای خانواده و اطرافیان خود خواهند گذاشت. آنان می توانند علاوه بر مراقبت از کودکان و کار در خانه و بیرون از خانه، نقش نگهبان محیط زیست را هم ایفا کنند(حایری پور، ۱۳۹۸: ۹۸) مهمترین نقش های زنان در محیط زیست عبارتند از: الف) زنان، عامل اصلی انتقال فرهنگ زیست محیطی به نسل های آینده هستند نظر به این که پرورش نسل و تربیت فرزندان بر عهده زنان است، کودکان از آغاز تولد، شیوه زیستن فرهنگ و راه و رسم ارتباط با محیط را از مادر می آموزند. چنانچه فرهنگ زیست محیطی در میان مادران تعمیم یابد و



زنان ما قانونمندی اکوسیستم را بشناسند، در آن صورت به خوبی می توانند این میراث معنوی را به فرزندان خود منتقل کنند. به این ترتیب درمی یابیم که انتقال فرهنگ مناسب زیست محیطی علاوه بر فطرت و غریزه شخصی زنان بستر و ابزاری نیز می خواهد که باید ضرورتاً در اختیارشان قرار گیرد. زن محروم از امکانات قادر به انتقال یک فرهنگ مناسب نخواهد بود. (ب) زنان به دلیل نقش مهمی که در مدیریت خانه دارند می توانند برنامه ریزان اصلاح محیط زیست در خانه و محله خود باشند. (ج) زنان به دلیل نقش چشم گیری که در کشاورزی دارند قادرند در کاهش مصرف سم و استفاده بهینه از کود در حفظ محیط زیست تأثیر گذار باشند. زنان روستایی حتی اگر رئیس واحد بهره برداری کشاورزی نباشند قطعاً شریک اصلی همسر خود در انجام کارهای کشاورزی هستند و از این رو می توانند در تصمیم گیری خانواده در زمینه میزان و شیوه مصرف سم و کود به خوبی دخالت کنند. (د) زنان عاملان انتقال میراث معنوی و دانش سنتی زیست محیطی هستند که باید از نو کشف و مورد بهره برداری مناسب قرار گیرد. (ه) زنان عامل اصلی اصلاح فرهنگ مصرف هستند به دلیل نقش مهمی که زنان در اداره خانه و پرورش و تربیت کودکان دارند. طبیعتاً فرهنگ مصرف که نقش ویژه ای در اصلاح رفتار زیست محیطی دارد در خانه و بین افراد خانواده به وسیله زنان شکل می گیرد (دبیری، ۱۳۹۶: ۷۵) مهمترین مشکلاتی که زنان در ایفای نقش خود در محیط زیست دارند امروزه به عینه دیده می شود به طوری که در حال حاضر تقریباً زنان در همه کشورها سهم کمتری در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های توسعه و محیط زیست دارند و از این نظر دسترسی آنان به آموزشهای رسمی و غیررسمی محدود است و به دلیل کارهای بسیار و ساعت های طولانی فعالیت در خانه، محل کار، روستاها و مزرعه، فرصت بهره گیری از آموزشهای همگانی را ندارند. سهم آموزشهای همگانی در بحث محیط زیست ناکافی و نامناسب است و رسانه های گروهی بویژه تلویزیون، سرمایه گذاری لازم را برای این امر حیاتی نمی کنند. اگرچه همیشه در رسیدن به سرمنزل مقصود راه صعب است و مشکل، و لیکن می بایست برای حفظ و صیانت محیط زیست با این گونه مشکلات مبارزه کنند. (غفاری، ۱۳۹۲: ۱۳۴) در بسیاری از جوامع هنوز نقش ها، نیازها و اهمیت کار زنان چنانکه باید شناخته نشده و مورد تأیید قرار نگرفته است. به همین دلیل، هرچند زنان همواره در حفظ محیط زیست کوشیده اند، اما این بی توجهی اجتماعی نسبت به زنان و نقش خلاق آنان در شبکه نیروهای اجتماعی و فرهنگی، مانع آن شده که موقعیت مطلوبی برای شکوفایی نیروها و استعدادهای این بخش از جمعیت پدید آید. از این رو می توان گفت که تقریباً در همه کشورها آثار تخریب محیط زیست بر زنان و تأثیر زنان بر محیط، با تأثیر و تأثر مردان در برابر اکوسیستم های حیاتی فرق داشته و به این تفاوت توجه نشده است (عقیلی، ۱۳۹۷: ۹۶) به هرحال آنچه مسلم است این که در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش ها، نیازها و نیروهای



زنان چنان که شایسته است نگریسته نشده و به همین دلیل هنگامی که با موضوع حفظ محیط زیست روبه رو می شویم، می بینیم که نیمی از جمعیت جهان که در طول تاریخ بیش از نیمی دیگر به طبیعت نزدیک بوده اند، به سبب مشکلاتی چون فقر، عدم دستیابی به آموزش و آگاهی های لازم علی رغم نیروی بی مانند خود نتوانسته اند نقش مؤثر خود را در این زمینه ایفا کنند. زنان به عنوان نیمی از جامعه نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه حتی در کشورهای پیشرفته نیز عناصر کلیدی برای حفاظت از محیط زیست می باشند. زنان پرورش دهنده فرزندان و در واقع مربیان آنها می باشند لذا می توان گفت هر جامعه ایی قدم در راه و منهدمی میگذارد که زنان آن جامعه آن را به فرزندان خویش آموزش داده اند. در بحث محیط زیست، زنان اگر خود تحت آموزش های لازم قرار بگیرند می توانند این میراث معنوی را به فرزندان خویش و در نتیجه به نسل های بعدی انتقال دهند. (وسکوئی اشکوری، ۱۳۸۹: ۲۵) در موضوع مدیریت منابع، یکی از اصلی ترین و جدی ترین معضلات موجود در تمام دنیا مصرف گرایی است. زنان در هر صورت چه خانه دار باشند و چه شاغل، مدیریت خانه و خانواده را بعهده دارند لذا می توانند با کاهش مصرف در هر منبعی تا حد امکان، کمک شایانی به حفظ محیط زیست نمایند. زیرا صرفه جویی و کاهش مصرف هم از هدر رفت منابع جلوگیری کرده و هم اینکه در نتیجه پسماندهای کمتری نیز تولید می شود. البته ذکر این مطالب به این معنا نیست که فقط باید شهروندان (زنان و مردان) مسئولیت حفاظت از محیط زیست را به دوش بکشند چرا که نقش و مسئولیت دولت یا نهادهای متولی اداره امور مملکت به مراتب جدی تر از شهروندان می باشد. به اعتقاد من، زنان (و در مقیاس بزرگتر خانواده ها) ضمن اینکه با پرهیز از مصرف گرایی می توانند به اندازه نقش خودشان به حفظ محیط زیست کمک کنند اگر بتوانند فرزندان مسئولیت پذیری تربیت کنند، یعنی آموزشگران خوبی برای فرزندان خویش باشند، تمامی مشکلات جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... که همگی در بستر محیط زیست اتفاق می افتد را مدیریت کرده اند. (سعادت، ۱۳۹۳: ۳۴) نظر به اینکه پرورش نسل نو و تربیت فرزندان برعهده زنان است، چنانچه فرهنگ زیست محیطی در مادران رسوخ کند و زنان ما قانونمندی اکوسیستم را بشناسند، در آن صورت بخوبی می توانند این میراث معنوی را به فرزندان خود منتقل کنند. به این ترتیب درمی یابیم که انتقال فرهنگ مناسب زیست محیطی علاوه بر فطرت و غریزه شخصی زنان، بستر و ابزاری نیاز دارد که باید ضرورتاً در اختیارشان قرار گیرد زیرا یک زن محروم از امکانات، قادر به انتقال یک فرهنگ مناسب نخواهد بود. از طرفی زنان به دلیل نقش مهمی که در اداره خانه و پرورش و تربیت کودکان دارند، طبعاً فرهنگ مصرف که نقش ویژه ای در اصلاح رفتار زیست محیطی دارد، در خانه و بین افراد خانواده به وسیله زنان شکل می گیرد. اگر زنان برای نظافت خانه، شست و شوی خودرو، تفکیک زباله در مبدا و



استفاده مجدد از زباله تر برای تهیه کود آلی و ده ها مورد دیگر، برنامه زیست محیطی مناسبی داشته باشند، بخش عظیمی از مشکلات زیست محیطی حل خواهد شد. حال با توجه به مطالب فوق می توان گفت که تحقیق حاضر ضرورت پیدا کرده تا به بررسی مشارکت و نقش زنان در حقوق بین الملل محیط زیست بپردازد.

۲- پیشینه تحقیق

رضانی قواک آبادی (۱۳۹۶) در مقاله ای به بررسی مشارکت و نقش زنان در حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته است. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن بود که زنان عامل مهمی برای رشد و توسعه محیط زیست هستند. نقش عظیم و نانوشته ی آنها در کشاورزی، بقای بسیاری از اجتماعات معیشتی را در زمین های حاشیه ای تبیین می کند بررسی اقدامات زیست محیطی زنان در گروه های نسلی مختلف نشان می دهد که زنان میان سال اقدامات عملی بیشتری در حفاظت از محیط زیست انجام می دهند، این در حالی است که در اقدامات تشکیلاتی گروه های نسلی جوان تر حضور فعال تر و بیشتری در سازمان های زیست محیطی دارند. اکبری (۱۳۹۵) در مقاله ای به بررسی نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست پرداخته است. یافته های تحقیق نشان داد که زنان در اکثر کشورها بیشتر از مردان اقدامات عملی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه از منابع انجام می دهند، در حالی که در زمینه اقدامات تشکیلاتی و حضور در تصمیم گیری ها و چانه زنی های زیست محیطی چندان فعال نیستند. بررسی اقدامات زیست محیطی زنان در گروه های نسلی مختلف نشان می دهد که زنان میانسال اقدامات عملی بیشتری در حفاظت از محیط زیست انجام می دهند، این در حالی است که در اقدامات تشکیلاتی گروه های نسلی جوان تر حضور فعال تر و بیشتری در سازمان های زیست محیطی دارند. علی محمدی (۱۳۹۵) در پایان نامه خود به بررسی نقش زنان تسهیل گر روستایی در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست پرداخته است. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن بود که بین متغیرهای سابقه همکاری، میزان استفاده تسهیل گران روستایی از وسایل ارتباط جمعی درباره محیط زیست، میزان توانایی برقراری ارتباط تسهیل گران با جامعه و زنان روستایی، میزان شرکت در دوره های آموزشی- ترویجی، میزان شرکت در دوره های زیست محیطی، میزان رضایت تسهیل گران از محتوای دوره های آموزشی- ترویجی، روشهای مورد استفاده در دوره های آموزشی- ترویجی، نگرش تسهیل گرانه و نگرش تسهیل گران روستایی نسبت به حفظ محیط زیست با مهارت تسهیل گران در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. اگرچه بین سن با مهارت تسهیل گران روستایی در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست رابطه



منفی و معنی‌داری وجود دارد، اما نتایج رگرسیونی نشان داد که میزان شرکت در دوره‌های آموزشی- ترویجی تسهیل‌گران، میزان رضایت آنان از روشها و محتوای در دوره های آموزشی- ترویجی، نگرش تسهیل‌گرانه و سن تسهیل‌گران، توانایی تبیین ۳۶ درصد از تغییرات نقش تسهیل‌گران روستایی در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست را دارا می‌باشد. مدنی در سال (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش مؤثر زنان روستایی در مدیریت منابع آب" با استفاده از ارزیابی مشارکتی روستایی نشان داد که زنان روستایی در بهینه‌سازی مدیریت و مصرف آب در منازل، پیشگیری از آلودگی‌هایی با منشأ آبی بر سلامت خانواده، تأمین و حفظ بهداشت آب شرب خانواده، فاضلاب و صرفه‌جویی در مصرف آب و حفاظت از منابع آبی روستا نقش زیادی دارند. عسگریان دهکردی و خسروی پور در سال (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل نقش تسهیل‌گران در افزایش مشارکت زنان روستایی به منظور پیشرفت در توسعه پایدار کشاورزی" نشان داد که زنان تسهیل‌گر روستایی توانسته‌اند آگاهی و مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار کشاورزی را ارتقا دهند. ریحانیان در سال (۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان "مدیریت نقش زنان در توسعه پایدار" نشان داد که تناقضی بین ضرورت گسترش آموزش از یک سو و نهادها و باورهای موجود بر سر راه مشارکت زنان از سوی دیگر وجود دارد که علت اساسی آن ریشه در خانواده‌ها و فرهنگ دارد. در واقع وقتی انسان به واسطه آموزش تبدیل به سرمایه‌شد دیگر یک کالای عمومی است و نمی‌توان آن را حبس کرد، چنانچه باید برای این مشکل چاره‌ای اندیشید. دخالت دولت در این زمینه برای ایجاد تعدیل و فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت و جذب زنان به بازار کار ضروری است، در غیر این صورت سرمایه‌گذاری گسترده برای آموزش زنان تلف شده و این اتلاف تأثیر سویی بر اقتصاد و توسعه اجتماعی کشور نیز خواهد داشت. به جهت تواناسازی اقتصادی ضرورت دارد که زنان بر زندگی خود در درون و بیرون خانه تسلط داشته و قدرت تأثیر گذاری جهت تغییر اجتماع به سمتی پایدار و عادلانه در سطح ملی و بین‌المللی را داشته باشد. فال سلیمان در سال (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی جایگاه زنان در جریان پروژه بین‌المللی ترسیب کربن با تأکید بر توسعه پایدار" نشان داد که زنان با تشکل‌های سازمان یافته در قالب گروه‌های توسعه روستایی، در امر احیای مراتع در فعالیت‌هایی همچون بذرچینی گیاهی منطقه، احداث نهالستان و کاشت و آبیاری گونه‌ها، در عرصه مراتع مشارکت مستقیم داشته‌اند. همچنین به طور غیر مستقیم با پذیرش نوآوری جدید سوخت، میزان استفاده از مراتع به ۶۴ درصد کاهش یافته است. از طریق جمع‌آوری پس‌اندازهای کوچک خود در صندوق‌های خرد اعتباری اقدام به فعالیت‌های تولیدی - اقتصادی متنوعی جهت کاهش وابستگی به شغل دامداری و استفاده از مراتع نموده‌اند که نقش اصلی را در تعادل دام و مرتع داشته است. شارما در سال (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان "نقش زنان



در حفاظت از محیط زیست" با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای نشان دادند که زنان در هند براساس تجربه های متفاوتشان دیدگاه های متفاوتی نیز درباره حفاظت از محیط زیست دارند. زنان فقیر می‌دانند که خاک، آب و سبزیجات برای زندگی روزمره لازم و ضروری هستند، بنابراین حفاظت از محیط زیست را درک می‌کنند. نتایج تحقیق مهمترین نقش زنان در حفاظت از محیط زیست را ایجاد و توسعه باغ های خانگی (درختکاری حیاط و اطراف خانه)، استفاده از سطل زباله برای انباشت زباله‌های خانگی، استفاده از منابع غیرمتعارف انرژی (استفاده از فضولات ماکیان و دام)، پذیرش این تفکر که اندازه خانواده باید کوچک باشد، استفاده حداقل از لامپ ها و ایجاد و توسعه محیط زندگی خوبی برای بچه ها بیان می‌کند.

۳- تعاریف و مبانی نظری

۳-۱- تعاریف لغوی و اصطلاحی محیط زیست

اصطلاح محیط زیست خود از دو کلمه "محیط" و "زیست" ترکیب شده است. واژه محیط به معنای آنچه که احاطه می‌کند؛ احاطه اشیاء یا ناحیه یا موقعیت. عمل احاطه کردن و نتیجه این عمل جمع کلیه شرایط خارجی و اثر آنها در زندگی و توسعه موجودات، مجموعه عوامل فیزیکی شیمیایی بیولوژیکی و اجتماعی می باشد. فراگرفتن، نفوذ کردن، تحت نفوذ قرار دادن شرایط و اوضاع و احوال و مانند آن تعبیر شده است. واژه زیست به معنای چیزی است که یک شخص برای زنده ماندن به آن نیاز دارد؛ حیات، زندگی، هستی، وجود داشتن. بنابراین محیط زیست از نظر لغوی به معنای محلی که آدمی را احاطه کرده است و نیز قلمرو حیات و زندگی می باشد (شریف زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۵) در قوانین و مقررات کشور اعم از قانون اساسی و قوانین عادی و دیگر مقررات تعریفی از محیط زیست ارائه نشده است ولی در تعریف کلی وجود و استمرار حیات انسانی و تمامی گیاهان و جانوران منوط به وجود محیط مادی یا به عبارت دیگر محیط زیست مجموعه ای مرکب از آب، هوا و ذرات معلق نظیر دوده و غبار است همچنین در تعریف محیط زیست آمده است محیط زیست عبارت است از محیطی که فرایند حیات را فرا گرفته و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده است تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین یعنی زیست کره یا بیوسفر را قرار می گیرد. محیط زیست عبارتست محیطی شامل هوا، آب، خاک، منابع طبیعی، گیاهان، جانوران، انسان و روابط متقابل بین آنها که سازمان در آن فعالیت می نماید (ویسی، ۱۳۹۰: ۸۷)



۳-۲- حفظ محیط زیست

حفاظت از محیط زیست به این معنا نیست که هیچ گونه بهره برداری از طبیعت صورت نگیرد؛ زیرا در این صورت توسعه اقتصادی بی معنا خواهد بود؛ بلکه مقصود از حفاظت، مدیریت صحیح بر چگونگی مصرف انسان است، به گونه ای که هم بیشترین استفاده ممکن از منابع را برای نسل حاضر تأمین کند و هم ذخیره منابع را برای برآوردن نیاز نسل های آینده نگهداری کند. به این دلیل، حفاظت هیچ گونه تباینی با بهره برداری اصولی از طبیعت و توسعه اقتصادی ندارد؛ بلکه با شکل بهره برداری از طبیعت ارتباط دارد (صالحی، ۱۳۹۲: ۶۳)

۳-۳- توسعه پایدار و محیط زیست

محیط زیست در دو مفهوم به کار میرود. یکی مفهومی است که از علوم طبیعت ناشی میشود و در آن با جوامع انسانی با بینشی اکولوژیک برخورد میشود، یعنی مجموعه ای از پدیده های طبیعی و تعادل بدون نیروهای رقیب در طبیعت که زندگی یک گروه بیولوژیک را مقید میکند (دبیری، ۱۳۹۶: ۵۲) مفهوم دوم واژه محیط زیست از علوم معماری و شهرسازی ناشی میشود و در رابطه با تعاملی است که بین ساختمان به (مفهوم عام) و محیطی که در آن ایجاد میشود (محیط طبیعی یا مصنوعی) وجود دارد. حفاظت از محیط زیست به این معنا نیست که هیچ گونه بهره برداری از طبیعت صورت نگیرد؛ زیرا در این صورت توسعه اقتصادی بی معنا خواهد بود؛ بلکه مقصود از حفاظت، مدیریت صحیح بر چگونگی مصرف انسان است، به گونه ای که هم بیشترین استفاده ممکن از منابع را برای نسل حاضر تأمین کند و هم ذخیره منابع را برای برآوردن نیاز نسل های آینده نگهداری کند. به این دلیل، حفاظت هیچ گونه تباینی با بهره برداری اصولی از طبیعت و توسعه اقتصادی ندارد؛ بلکه با شکل بهره برداری از طبیعت ارتباط دارد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۸) رشد جمعیت جهان و رشد سریع فعالیت اقتصادی سبب فشار زیست محیطی بر تمام نظامهای اقتصادی و اجتماعی شده است. مشکلاتی مانند اثر گلخانه ای و تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه اوزون، بارانهای اسیدی، کاهش تنوع زیستی، آلودگی به مواد سمی و تخریب منابع تجدید پذیر و غیر تجدید پذیر، نشانه های روشن ناپایداری زیست محیطی است. فقر، اولین سبب تخریب محیط زیست در کشورهای درحال توسعه است (حاجیلو، ۱۳۹۹: ۹۳) بنابراین توسعه و رشد در این کشورها در درجه اول باید با هدف نابودی فقر صورت گیرد. در رشد اقتصادی پایدار کافی نیست که مؤلفه های فقط اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. بلکه مؤلفه های وابسته به آن مثل آموزش، سلامتی، آب و هوای پاک، زیبایی طبیعت و دیگر ارزشهای غیراقتصادی که به نیاز انسانی و رفاه



مربوط است؛ باید در نظر گرفته شود. یکی دیگر از مؤلفه های توسعه پایدار اقتصادی تولید و مصرف پایدار است. تغییر الگوی تولید و مصرف به شکلی که استفاده کمتری از منابع انجام شده، تولید بیشتری به دست آید و مواد اضافی کمتری ایجاد شود؛ اقتصاد را به پایداری نزدیکتر میکند (فیروزی، ۱۳۸۴: ۷۴). تجارت هم یکی از ابزارهای مهم اقتصاد، آثار نامطلوبی بر محیط زیست داشته است و باید به عنوان یک موضوع مهم مورد توجه قرار گیرد. تثبیت جمعیت جهانی در سطحی قابل تداوم، تأمین سلامتی همگانی، تأمین مسکن مناسب برای انسانها و آموزش و آگاهی عمومی مؤلفه های تشکیل دهنده توسعه پایدار اجتماعی است. یعنی زمانی برنامه های توسعه در سطح اجتماعی، پایدار است که این عوامل در آن در نظر گرفته شود. رشد سریع جمعیت فقر را به دنبال دارد و تأثیر منفی متقابل میان جمعیت و محیط زیست به تشویشهای اجتماعی می انجامد. تنها دست یافتن به یک تعادل میان جمعیت و ظرفیتهای زیست محیطی است که توسعه پایدار اجتماعی را ممکن میکند؛ زیرا عامل جمعیت با بسیاری از عوامل دیگر مانند الگوهای مصرف، فقر، بهداشت در ارتباط است (روشندل، ۱۳۹۴: ۱۲). در اعلامیه کپنهاگ (نشست اجتماعی کپنهاگ ۱۹۹۵) بر توسعه اجتماعی تأکید شده است و در این مورد گفته شده است که توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به یکدیگر وابسته اند و اجزای سازنده توسعه پایدار را شکل میدهند. توسعه فرهنگی بیشتر بر دو محور فرهنگهای بومی و ارزشهای اخلاقی و توسعه، براساس فرهنگ هر منطقه تأکید میکند. در هر حرکت به سوی پایداری، باید یک اخلاق زیست محیطی غنی در نظر گرفته شود. فرایند توسعه در یک جامعه معمولاً باید همراه با افزایش مطلوبیت باشد، از این جهت رضایتمندی یا رفاهی که توسط افراد جامعه تجربه میشود، بسیار مهم است (لهسایی زاده، ۱۳۹۵: ۱۴). عامل اصلی مؤثر در افزایش رفاه، درآمد سرانه واقعی است. این مسئله تقریباً عام در کشورهای فقیر مصداق دارد. اگر چه بعضی معتقدند که در کشورهای غنی چنین موضوعی صادق نیست. عامل مؤثر دیگر در مطلوبیت یا رفاه، کیفیت کلی محیط زیست است. در یک جامعه در حال توسعه پایدار باید برای رفاه و آسایش محرومترین اقشار جامعه نسبت به رفاه کل جامعه، ارزش بیشتری در نظر گرفت. چنانچه رفاه یک جامعه در مجموع بهبود یابد؛ اما شرایط اقشار محروم آن جامعه بدتر شود، میتوان ادعا کرد که چنین جامعه ای در حال توسعه نیست. آلودگی محیط زیست که بی توجهی به آن میتواند حیات بشر و بقای او را مورد تهدید و خطر جدی قرار دهد، موضوعی است که سازمانهای بین المللی، منطقه ای و داخلی به آن توجه کرده است (روشندل، ۱۳۹۴: ۸۵).



۳-۴- فلسفه وجودی و ماهیت حق محیط زیست

بحرانی بودن وضعیت ایجاد شده بواسطه نابودی تدریجی محیط زیست، ایجاد حقی بشری دایر بر بهره‌مندی از محیط زیست سالم را ایجاب می‌کند. این حق در قویترین شکل خود، نظارت بین‌المللی بر طیف گسترده‌ای از سیاستهای زیست محیطی داخلی هر کشور را مشروعیت می‌بخشد و پا را از آثار صرفا برون‌مرزی این فعالیتها فراتر می‌نهد. این حق می‌تواند همچنین دسترسی مدعیان خصوصی به نهادهای حقوق بشر همچون کمیته حقوق بشر سازمان ملل یا دیوان اروپایی حقوق بشر را مجاز سازد و بر حقوق و خساراتی که در دادگاههای داخلی باید مدنظر قرار گیرد تأثیر گذارد. بدین ترتیب، آزادی کشورها در ادعای اینکه مسائل داخل مرزهای آنان تنها و تنها بحث صلاحیت داخلی است به شدت محدود می‌گردد (آصفی راد، ۱۳۹۸: ۶۳) از آنجا که وجود یک محیط زیست سالم، مستلزم اقدامات دولتی و بین‌المللی، و نیز همکاری بین بخش دولتی و بخش خصوصی است؛ نتیجتاً اعتقاد بر این است که شناسایی حق برخورداری از محیط زیست سالم و شایسته در نگاهی به فجایعی همچون انفجار کارخانه شیمیایی یونیون کار باید، ذوب شدن راکتور اتمی چرنوبیل، به آتش کشیده شدن صدها چاه نفت در جنگ خلیج فارس و... وضعیت اضطراری بی‌سابقه محیط زیست را روشنتر می‌کند. بحرانی بودن وضعیت ایجاد شده به واسطه نابودی تدریجی محیط زیست، ایجاد حقی بشری دایر بر بهره‌مندی از محیط زیست شایسته، سالم و امن را ایجاب می‌کند (عقیلی، ۱۳۹۷: ۴۳) سطح بین‌المللی، چهارچوب لازم را برای ترغیب چنین اقدامات و همکاریهای به دست خواهد داد. همچنین باید در نظر داشت که لازمه استیفای مؤثر حق محیط زیست، ایجاد حق فردی اقامه دعوی است. این تضمین شکلی، مستلزم حق مشارکت در مراحل تصمیم‌گیری در خصوص تأثیرات زیست محیطی، حق دستیابی به اطلاعات مناسب و بموقع، حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی، و داشتن یک نظام اجرایی مؤثر است (وسکوئی اشکوری، ۱۳۸۹: ۲۸) لزوم دخالت شهروندان، فراهم آمدن امکان مشارکت آنان، و وظیفه اطلاع‌رسانی به مردم در خصوصی تصمیمات مربوط به محیط زیست، هم اکنون در بسیاری از اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. برای نمونه، منشور جهانی طبیعت، دستورالعمل جامعه اروپا درباره ارزیابی زیست محیطی، موافقتنامه آسه‌آن درباره حفظ و نگهداری طبیعت و منابع طبیعی، کنوانسیون ملل متحد درباره ارزیابی آثار زیست محیطی در چهارچوب فرامرزی، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر همگی مؤید وظائف اطلاع‌رسانی است. اما این حقوق مشکلاتی نیز در خصوص حیطه وظائف تصمیم‌گیرندگان پیش می‌آورد. برای تأثیرگذاری بهینه، حق داشتن اطلاعات باید افرادی را هم که خارج از مرزهای کشور خاصی به سر می‌برند دربرگیرد. در نتیجه، به مقررات ماهوی بین‌المللی برای



تضمین گسترش اطلاعات و مشارکت سیاسی تمام افراد متأثر نیاز است. چنین مقرراتی از طریق ایجاد یک حق شناخته شده نسبت به محیط زیست، تسهیل می‌گردد (سادات موسوی، ۱۳۹۶: ۴۳)

۴- زنان و پایداری محیط زیست

واندا شیوا (۱۹۸۹) معتقد است که اکثر تحقیقات در مورد زنان و محیط زیست، روی زنان به عنوان قربانیان ویژه تخریب محیط زیست متمرکز شده اند. در حالی که در کنار این دیدگاه، توجه به بازشناسی نقش زنان در مدیریت منابع پایدار، مهم است (حاجیلو، ۱۳۹۹: ۸۵) طبق نظر هماتی (۲۰۰۲) مدارکی وجود دارد که زنان از نظر زیست محیطی نسبت به مردان آگاه ترند و بیشتر در فعالیت های حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست و... درگیر هستند اکوفمینیست ها بحث می کنند که به طور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می کند. نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره کشی تاریخی زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس این دیدگاه هر آسیبی به طبیعت به زنان آسیب می رساند اکولوژیست های سیاسی فمینیست نیز نشان داده اند که زنان در کشورهای در حال توسعه دانش عمیقی درباره بذرها، بوته ها، گیاهان و درختان و در کل منابع طبیعی دارند (فال سلیمان، ۱۳۹۱: ۱۴) بنابراین در یک رهیافت و فرایند توسعه از پایین به بالا و حساس به جنسیت، زنان در کشورهای در حال توسعه یک عنصر کلیدی توسعه در کل و به ویژه در زمینه حفاظت از محیط زیست هستند در اکثر نقاط جهان زنان و دختران مسئول گردآوری آب برای پخت و پز، نظافت و بهداشت هستند و چون موجودی آب به طور فزاینده ای محدود شده است، آلودگی ناشی از فشار جمعیت و پیامدهای خصوصی سازی، بقاء زنان و خانواده شان را به خطر انداخته است. بنابراین بهبود در تامین آب منوط به آن است که زنان یک محور تصمیم گیری باشند (دبیری، ۱۳۹۶: ۵۳)

۴-۱- حساسیت زنان نسبت به محیط زیست

از قرن ها پیش شاعران و نمایشنامه نویسان از چهره زنانه طبیعت سخن گفته اند، با این حال از زمانی که انسان شروع به آماده کردن زمین برای کشت کرده است، آینده طبیعت توسط مردان رقم خورده است و این شاید تاحدی توضیح دهنده بحران وحشتناکی است که امروزه سیاره مان زمین را تهدید می کند. به طور عمومی، به نظر می رسد که زنان به ضرورت زندگی در صلح با زمین و حمایت آن حساس تر هستند (حایری پور، ۱۳۹۸: ۷۴) در یک نگاه می توان گفت که زنان در جهان در حال توسعه رابطه مستقیم تری با محیط طبیعی دارند و از تخریب آن بیشتر رنج می برند. گرچه



برخی نظریات بر وجود جوامع مدارسالار در دوره‌های تاریخی تاکید می‌کنند، ولی همواره این ارزش‌های مذکر هستند که جهان را تحت سلطه داشته و آن را تخریب کرده‌اند. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۸۲) همان‌طور که گزارش توسعه انسانی برنامه سازمان ملل برای توسعه نشان می‌دهد، امروزه نیز حتی یک جامعه در جهان وجود ندارد که زنان و مردان از عدالت واقعی بهره‌مند باشند. در اکثر بخش‌های جهان، زنان درس خوانده کمتر از مردان هستند و بدتر از همه این که زنان به ندرت در تصمیم‌گیری‌هایی که به آینده زمین و ساکنان آن مربوط می‌شود، مورد مشاوره قرار می‌گیرند. البته مردان بسیاری با اشتیاق برای حمایت از محیط زیست مبارزه می‌کنند و زنان بسیاری به تخریب آن کمک می‌کنند و این مسئله عمومیت ندارد، اما تردیدی نیست که مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی به ما اجازه می‌دهد تا سازگاری بهتری با طبیعت داشته باشیم (بوذر جمهوری، ۱۳۹۶: ۴۶) در انگلستان نیمی از تولیدکنندگان محصولات ارگانیک زنان هستند. این در حالی است که زنان تنها ۵ درصد کارکنان بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند. زمین‌های کشاورزی زنان در غنا به مدت طولانی‌تری بارور می‌مانند تا زمین‌های کشت شده توسط مردان. به نظر می‌رسد که زنان نسبت به نیازهای محیط زیست آگاه‌تر هستند اما تا زمانی که زنان امکان مشارکت برابر در تصمیم‌گیری در مورد شیوه مدیریت جهان را نداشته باشند، شانس کمی هست که ما بتوانیم «مانع خراب شدن آسمان بر سرمان شویم» (عظیمی، ۱۳۹۸: ۲۷) وظیفه مروجین آگاهی و کنشگران محیط زیستی، حساس کردن مردم برای حفاظت از محیط زیست است. مطالعه جدیدی که در آمریکا انجام شده است نشان می‌دهد که آلودگی محیط زیست مسئول مرگ سالانه ۵.۵ میلیون نفر در جهان است. بنابراین حساس کردن مردم به حمایت از محیط زیست و نشان دادن این که چگونه هرکس در هر جایی که هست می‌تواند به حفظ و بهبود محیط زیست یاری برساند، مسئله‌ای فوری برای همه ماست. بسیار مهم است که استراتژی‌هایی برای جلب مشارکت افراد، برای یافتن راه حل به کارگیریم و باید به هر کدام از این افراد دانش‌ها، مهارت‌ها و انگیزه‌های ضروری برای فهم پدیده تغییرات جهانی محیط زیست را داد. نمی‌توان آموزش محیط‌زیست را از آموزش توسعه جدا کرد. وضعیت توسعه شمال و جنوب پیامدهایی برای تمام کره زمین در بردارد. مصرف بالای انرژی در شمال و جنگل زدایی در جنوب موجب گرمایش عمومی کره زمین و از بین رفتن هزاران گونه حیوانی و گیاهی، مهاجرت و ترک کشاورزی توسط جمعیت‌های بومی شده است که امرار معاش خود را از جنگل‌ها می‌کنند. بیابان‌زایی تنها مسئله‌ای محیط زیستی نیست، بیابان‌زایی پیامدهای بسیار شدید برای کشاورزی و دامپروری به دنبال دارد (سعادت، ۱۳۹۳: ۹۶)



۴-۲- چرای نقش مهم زنان در محیط زیست

در زمینه نقش زنان در حفاظت از محیط زیست، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی از نگرش آفرینان که می‌توان آنان را پیرو نظریه برتری زنان در حفاظت محیط زیست دانست، معتقدند که زنان به دلیل زن بودن، بهتر از مردان از محیط زیست خود محافظت می‌کنند. اما گروه دیگری که با این نظر موافق نیستند، می‌گویند زنان نه به عنوان زن بودن، بلکه به علت تجربه‌هایی که در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت مربوط به آن دارند، بیش از مردان در حفظ محیط زیست نقش داشته‌اند. کسان دیگری با طرح بحث جنسیت می‌گویند که زنان و مردان در مسیر زندگی اجتماعی خود دارای نقش‌ها و نیازهای متفاوتی هستند که باید آنها را شناخت و برنامه‌های توسعه را بر مبنای این نقش‌ها و نیازها تنظیم کرد. سرانجام برخی از نظریه پردازان عقیده دارند که زنان علاوه بر نقش‌های موجود، خود دارای نیروهایی هستند که هنوز کشف و مشخص نشده است و از این رو لازم است برنامه‌ریزان توسعه، برای شکوفایی چنین نیروهای بالقوه‌ای بستر مناسب فراهم کنند. با این حال زنان نقش بالقوه‌ای در خانواده و تربیت فرزندان و نسل‌های آینده جهان دارند که با بالفعل شدن این مجموعه رفتارهای محیط زیستی زنان در خانواده، فرزندان با لزوم حفظ محیط زیست آشنا می‌شوند و خود را ملزم به رعایت آن می‌کنند. از سوی دیگر زنان یکی از اهداف نظام سرمایه داری محسوب می‌شوند (مدنی، ۱۳۹۰: ۱۷) نظام سرمایه‌داری که با هدف قراردادن زنان آنها را به خرید کالاهای غیر ضروری ترغیب می‌کند. مد باعث گرایش غالب افراد به سبک خاصی از زندگی و استفاده از کالای خاصی می‌شود، دقیقاً همان چیزی که سرمایه داری برای انتقال فرهنگ مصرفی خود به جوامع جهان سوم از آن استفاده می‌کند. رفاه فرد گرایانه، سود جویی، طمع آسایش خودخواهانه، همگی نمادهایی هستند که برای مخاطبان جهان تبلیغ می‌شوند و زنان اصلی‌ترین مخاطبان هستند. طبعاً فرهنگ مصرف که نقش ویژه‌ای در اصلاح رفتار زیست محیطی دارد، در خانه و بین افراد خانواده به وسیله زنان شکل می‌گیرد. اگر زنان برای نظافت خانه، شستشوی خودرو، تفکیک زباله در مبدا و استفاده مجدد از زباله تر برای تهیه کود آلی و ده‌ها مورد دیگر، برنامه زیست محیطی مناسبی، داشته باشند، بخش عظیمی از مشکلات زیست محیطی حل خواهد شد (صالحی، ۱۳۹۲: ۲۰)

۴-۳- رویکرد نظری مشارکت زیست محیطی زنان

به دنبال طرح مقوله ی حفاظت از محیط زیست و رواج فرهنگ زیست محیطی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی مطرح گردیده است. در زمینه نقش زنان در حفاظت از محیط زیست



و ارتباط و پیوند میان تسلط بر زنان و بهره کشی از طبیعت دیدگاه اکوفمینیسم مطرح است که یکی از شیوه های طرح اکولوژی رادیکال می باشد. احترام به طبیعت غیر بشری همواره از نظر فمینیسم رادیکال امری مهم بوده است. اکوفمینیسم از جمله نگرش های اجتماعی در رابطه با فمینیست، صلح و اکولوژی می باشد. اگرچه این اصطلاح اولین بار توسط فرانسوا دوین به کار گرفته شد، اما بعداً زمینه ای برای اعتراض رسمی در مقابل تخریب محیط زیست گردید (سادات موسوی، ۱۳۹۶: ۱۲۰) درحقیقت اکوفمینیسم در اواسط سالهای ۱۹۷۰ در کنار موج دوم فمینیسم و جنبش سبز مطرح گردید. اکوفمینیسم اصول فمینیست و جنبش های سبز را با یکدیگر ترکیب می نماید و در عین حال چالشی را برای هر دو ارائه میدهد. از جنبش سبز یک نگرانی در خصوص تأثیر فعالیت های بشر نسبت به جهان غیر انسانی و از فمینیسم نگرش انسانیت را کسب می کند و معتقد است که زنان به خاطر زن بودن مورد ظلم و ستم قرار می گیرند (آصفی راد، ۱۳۹۸: ۴۹) در ابتدا این نگرش عمدتاً از مبارزات و اعتراضات زنان پیرامون مسایلی از قبیل حرکات هسته ای (جزیره تری مایل) و سلاح های اتمی (گروه صلح گرین هام) شکل گرفت ولی اکنون به اشکال گوناگون در تشکل های ویژه ی زنان و محیط زیست در سراسر جهان قابل مشاهده می باشد. برای شناخت این واژه ی ترکیبی بهتر است ابتدا تعریفی از اکولوژی و فمینیسم را بیان نماییم. اصطلاح اکولوژی را نخستین بار هکل (۱۸۶۶) به عنوان زمینه ی مطالعاتی نو در زیست شناسی مطرح کرد. منظور وی از اکولوژی شناخت روابط متقابل حاکم میان موجودات زنده و محیط آنها بود از این دیدگاه، اکولوژی بنا بر تعریف عبارت است از " علم بررسی روابط متقابل موجود زنده با دنیای بیرونی آن که در مفهومی گسترده تر کلیه شرایط محیط زیست را در بر می گیرد" (غفاری، ۱۳۹۲: ۸۴) امروزه نیز اکولوژی را مطالعه سیستم های طبیعی در سطحی می دانند که در آن افراد یا کل موجودات زنده به عنوان اجزایی از یک سیستم با هم در کنش متقابل هستند. (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۴) علم اکولوژی (بوم شناسی) ابزار علمی شناخت محیط طبیعی به حساب می آید فمینیسم دکترینی که مدافع حقوق اجتماعی و سیاسی برابری زنان با مردان می باشد. (عسگریان دهکردی، ۱۳۹۱: ۵۱)

۵- چالش های حقوقی بین المللی محیط زیست

یکی از نگرانی های جهانی، ظهور تخریب های زیست محیطی بوده که به این واسطه توجه به حقوق محیط زیست، سازکارهای اصلی مورد استفاده برای ترویج حفاظت از منابع طبیعی، کنترل آلودگی و اشکال دیگر حفاظت از محیط زیست بیش از پیش جلب گردیده است. در این راستا قلمرو حقوق بین الملل محیط زیست به واسطه معاهدات بین المللی و منطقه ای و گسترش این مهم در



حقوق ملی کشورها و مقررات اداری در این زمینه توسعه یافته است. این توسعه، پیمان های جدید زیست محیطی، کنفرانس ها، مذاکرات محرمانه، مقالات و اقدامات سازمان ها و نهادهای داخلی و بین المللی را نیز شامل می شود. همچنین نشست های فشرده توسط بسیاری از دولت ها، سازمان های چند ملیتی، سازمان های غیر دولتی زیست محیطی، دانشمندان و گروه های تجاری و نمایندگان صنعت نیز در این توسعه تاثیر گذار بوده است (فیروز، ۱۳۸۴: ۴۴۱) به هر حال از سال ۱۹۷۲ است که ملل محیط تا به حال فعالیت های متنوع سیاسی و حقوقی به گسترش و تحول حقوق بین الملل محیط زیست کمک نموده که از جمله آن اعلامیه های جهانی زیست محیطی و حقوق بشری بوده است. هرچند حقوق بین الملل محیط زیست زودتر از تخریب های زیست محیطی پیش بینی شد اما این آن موفقیتی نبود که به دنبال آن باشیم. متأسفانه طبیعت در حال مرگ است و تا به حال حقوق محیط زیست نتوانسته توسعه پایدار را استحکام ببخشد چراکه در فرآیند قانونگذاری ملی و بین المللی هیچ مرز روشنی در اجرا و یا عدم اجرای این قوانین وجود ندارد. در بسیاری از موارد قوانین ملی زیست محیطی صرفاً به منظور تحمیل برخی تعهدات بوده که نشأت گرفته از تصویب موافقت نامه های بین المللی می باشد و بالعکس قواعد حقوق بین الملل محیط زیست پس از تصویب قوانین داخلی از آن نشأت می گیرد. البته منظور قوانین داخلی کشورهای توسعه یافته می باشد که به کشورهای در حال توسعه در جهت حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار کمک مالی، انتقال تکنولوژی و کمک های اقتصادی دارند. هرچند کشورهای در حال توسعه عضو جامعه ملل به نوعی قوانین زیست محیطی را کپی برداری کرده و در کشور خود به تصویب رسانند اما در این مسیر کشورهای توسعه یافته در کنفرانس های بین المللی گاهی منافع ملی خود را ترجیح داده و براساس منافع موافقت نامه ها و معاهدات زیست محیطی را به تصویب می رسانند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۹)

۶- مبانی موجود در مسئولیت مدنی زیست محیطی در حقوق ایران

در عالم حقوق، مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی موضوع نظریات متعددی قرار گرفته است که هر کدام مبتنی بر فلسفه خاص و ویژه خود است. این نظریات به خصوص در حقوق داخلی مبتنی بر سه دیدگاه «سنتی»، «جدید» و «بینابینی» است که شامل نظریه مبتنی بر خطر، نظریه مبتنی بر تقصیر و نظریه های مختلط می گردد. قابل ذکر است که مبانی موجود در مسئولیت مدنی زیست محیطی ملهم از مبانی مطرح در باب مسئولیت مدنی است و نمی تواند خارج از آن باشد، منتهی در باب مباحث زیست محیطی مبنای مناسب تر را باید برگزید (ریحانیان، ۱۳۹۲: ۳۶)



۶-۱- نظریه تقصیر

این نظریه، سنتی‌ترین نظریه در مسئولیت مدنی زیست‌محیطی است. بر این اساس خسارات زیست‌محیطی قابل مطالبه نیست مگر این‌که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. بنابراین زیان‌دیده اگر بتواند ثابت نماید که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسئول خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۴) این نظریه که تقریباً روی‌کرد شایع در رژیم مسئولیت مدنی حقوق ایران و اکثر نظام‌های حقوقی، نظیر فرانسه است با مبانی و فلسفه حقوق محیط زیست فاصله دارد. مطابق مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه مطالبه خسارت و مسئول شناختن عامل زیان منوط به اثبات تقصیر عامل زیان است. هرچند نظریه تقصیر در برقراری در رابطه سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می‌کند ولی نمی‌تواند مبنای جامعی باشد در واقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست‌محیطی را دشوار می‌نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست‌محیطی بر خلاف سایر حوزه‌ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست‌محیطی، تکرر آلوده‌کنندگان یا «آلوده‌کنندگان متعدد»، انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست‌محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت است. (عقیلی، ۱۳۹۷: ۵۵)

۶-۲- نظریه خطر

این نظریه توسط دو حقوقدان به نام‌های ژوسران و سالی مطرح و توسعه یافت. نظریه خطر یا «نظریه مبتنی بر عدم تقصیر» حکایت از این امر دارد که هرکس به فعالیتی بپردازد (و از آن نفعی ببرد) محیط خطرناکی را برای دیگران به‌وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های آن را جبران نماید. بنابراین در خصوص مسئولیت‌های مدنی زیست‌محیطی بر مبنای نظریه خطر نیازی به اثبات تقصیر آلوده‌کننده نیست بلکه همین که شخصی اقدام به فعالیتی نماید که نفعی در آن داشته و منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست گردد باید از عهده خسارات وارده برآید. اعم از این که درواقع تقصیر داشته یا نداشته باشد. این نظریه به نوبه خود به «نظریه خطر نفع» و «نظریه خطر فعالیت» تقسیم‌بندی می‌شود (وسکوئی اشکوری، ۱۳۸۹: ۴۹) امروزه این نظریه؛ نظریه‌ای مناسب برای جبران خسارت زیست‌محیطی است و می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت حمایت از محیط زیست داشته باشد. درواقع آلوده‌کننده محیط زیست بر اساس این نظریه «مسئولیت عینی» در برابر خسارات زیست‌محیطی پیدا می‌کند. این نظریه علی‌رغم این‌که مناسب برای حمایت از محیط زیست می‌نماید، از جنبه‌های متعدد اقتصادی (ریسک فعالیت) و



اجتماعی (کاهش انگیزه افراد در اجتماع) نقد گردیده است. به ویژه از لحاظ محدود نمودن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و فعالیت‌های پرخطر مورد انتقاد واقع شده است و در بخشی از موارد اعمال این نظریه خلاف انصاف قضایی نیز جلوه می‌نماید. (یوسفیان، ۱۳۸۹: ۳۷)

۷- نقش زنان در محیط زیست

در زمینه نقش زنان در حفاظت از محیط زیست، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی از نگرش‌آفرینان که می‌توان آنان را پیرو نظریه برتری زنان در حفاظت محیط زیست دانست، معتقدند که زنان به دلیل زن بودن، بهتر از مردان از محیط زیست خود محافظت می‌کنند. اما گروه دیگری که با این نظر موافق نیستند، می‌گویند زنان نه به عنوان زن بودن، بلکه به علت تجربه‌هایی که در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت مربوط به آن دارند، بیش از مردان در حفظ محیط زیست نقش داشته‌اند. کسان دیگری با طرح بحث جنسیت می‌گویند که زنان و مردان در مسیر زندگی اجتماعی خود دارای نقش‌ها و نیازهای متفاوتی هستند که باید آنها را شناخت و برنامه‌های توسعه را بر مبنای این نقش‌ها و نیازها تنظیم کرد. سرانجام برخی از نظریه پردازان عقیده دارند که زنان علاوه بر نقش‌های موجود، خود دارای نیروهایی هستند که هنوز کشف و مشخص نشده است و از این رو لازم است برنامه ریزان توسعه، برای شکوفایی چنین نیروهای بالقوه‌ای بستر مناسب فراهم نمایند. (ویسی، ۱۳۹۰: ۵۵) به هر حال آنچه مسلم است این که در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش‌ها، نیازها و نیروهای زنان چنان که شایسته است نگریسته نشده و به همین دلیل هنگامی که با موضوع حفظ محیط زیست روبه رو می‌شویم، می‌بینیم که نیمی از جمعیت جهان که در طول تاریخ بیش از نیمی دیگر به طبیعت نزدیک بوده‌اند، به سبب مشکلاتی چون فقر، عدم دستیابی به آموزش و آگاهی‌های لازم علی‌رغم نیروی بی‌مانند خود نتوانسته‌اند نقش موثر خود را در این زمینه ایفا کنند.

۷-۱- مشارکت زنان و توسعه پایدار در بعد زیست محیطی

به عقیده سگر یکی از اصول توسعه پایدار، اصل مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات و عدالت است. این اصل معتقد است که مردم باید قادر به مشارکت در روندهای تصمیم‌گیری باشند، که بر رفاه و زندگی‌شان موثر است (مدنی، ۱۳۹۰: ۷۴) در دهه‌های سیاست‌های جنبش محلی از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰ زنان مشارکت‌کنندگان اصلی در سازمان‌های اجتماعی بودند، اما اغلب به عنوان رهبران شناخته نشده‌اند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زنان مدافعان قوی برای کنترل اجتماعی خدمات و امنیت محلی بودند. علی‌رغم این، نقش برجسته زنان در ارتقاء و توسعه برنامه



جامع در سازمان های بر پایه اجتماع، هرگز به طور کامل بازنشاسی و مورد تقدیر قرار نگرفته است بنابراین بررسی و مطالعات نشان داده است که با وجود اینکه زنان در دستیابی به شاخص های توسعه، محروم تر از مردان هستند، اما نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارند (مجلسی، ۱۳۸۹: ۴۹) لوکاس معتقد است مشارکت زنان در روند تصمیم گیری ها یک روند توانمند سازی است، فرصت هایی برای تصمیم گیری و تفکر جمعی فراهم می آورد، ظرفیت تفکر انتقادی را افزایش می دهد و موضوعات عدالت اجتماعی و کنش جمعی نسبت به اهدافی را که جامعه از آن نفع می برد، مجدداً نشان می دهد. او ادامه می دهد هنگامی که به زنان فرصت داده می شود می توانند با شرایط وفق یافته و بر عوامل بیرونی که زندگی خود و خانواده شان را شکل می دهد تاثیر بگذارند نمونه های بسیاری از اهمیت مشارکت زنان در برنامه های حفاظت از محیط زیست در پروژه های سازمانهای بین المللی و منطقه ای از قبیل سازمان ملل، بانک جهانی، فائو و... وجود دارد که نقش قاطع زنان را در روندهای اجرا و تصمیم گیری نشان می دهد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه که زنان بیشترین تماس مستقیم با محیط زیست را دارند، برنامه های حفاظت از محیط زیست آنها را به عنوان گروه های هدف در نظر گرفته و موفقیت این برنامه ها را علی رغم موانع زیاد، تابعی از مشارکت زنان می دانند. (شریف زاده، ۱۳۹۰: ۳۶)

۷-۲- رابطه حضور زنان در طرح های حفاظت از محیط زیست

مشکلات محیط زیست قبل از جنسیت به ذهنیت مربوط می شود. صرف وجود زنان در روندهای تصمیم سازی این مشکلات مرتفع نمی شوند. سازمان حفاظت محیط زیست در کشور ما نهاد متولی محیط زیست می باشد که رئیس سازمان معاون رئیس جمهور نیز می باشد. در دولت اول احمدی نژاد، خانم دکتر واعظ جوادی تصدی سازمان را بعهده داشت که هر چند یک زن تحصیل کرده و سیاسی کار نیز بود اما بدلیل عدم داشتن یک ذهنیت محیط زیستی نتوانست برای محیط زیست ایران مفید واقع شود. یکی از اقدامات غلط ایشان در آن زمان ایجاد سایت های تکثیر حیات وحش در اسارت بود که علیرغم هزینه های میلیاردی در آن زمان، به جرأت می توان گفت از ابتدا یک طرح شکست خورده بود. این در حالی است که در دولت تدبیر و امید هم سکان سازمان حفاظت محیط زیست به دستان معصومه ابتکار سپرده شده ولی ایشان بدلیل اینکه تفکر و نگرش محیط زیستی دارد اقدامات بسیاری در این حوزه انجام داده که می توان ادعا کرد قریب به اکثریت آنها موفقیت آمیز بوده است (زرافشانی، ۱۳۹۴: ۸۴) از جمله این موارد حذف بنزن از بنزین و خارج کردن بنزین های تولید پتروشیمی از چرخه عرضه سوخت و جایگزینی آن با بنزین یورو می باشد که سهم عمده ایی در کاهش شدت و غلظت آلاینده های هوا خواهد داشت. می توان گفت اگر



زنانی باشند که در فرآیندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری در سطح دولت حضور فعالی داشته و مهمتر از هر چیز دارای شناخت منطقی و واقعی از مولفه های محیط زیست باشند بدون تردید میزان خسارت های وارده به محیط زیست نیز کاهش خواهد یافت. اما اگر زنان فاقد بینش محیط زیستی باشند حتی در صورت اشتغال به امورات خانه داری به میزان زیادی به محیط زیست آسیب خواهند رساند (روشندل، ۱۳۹۴: ۱۲۸)

۷-۳- اقدامات عملی و تشکیلاتی برای حفاظت از محیط زیست توسط زنان

بطور کلی اقدامات زنان برای حفاظت از محیط زیست در تمام دنیا می تواند از یک مدل کلی پیروی نماید. بعنوان مثال وجود زنانی همچون املین پنکهرست در اروپا (فعال حوزه زنان) و راشل کارلسون در آمریکا (نویسنده کتاب بهار خاموش) منجر به ایجاد تحولات شگرفی در حوزه آزادی زنان و کسب حق رای برای آنان و همچنین ایجاد جنبش های محیط زیستی نه تنها در آمریکا بلکه تمام دنیا گردید (دبیری، ۱۳۹۶: ۵۲) متأسفانه اغلب افراد جامعه ما (هم زنان و هم مردان) هنوز هم تعریف جامع و کاملی از محیط زیست نداشته و محیط زیست را با طبیعت برابر می دانند این نگاهی تقلیل گرایانه به موضوع می باشد چرا که طبیعت جزئی از محیط زیست می باشد. حتی در مواردی تشکل های محیط زیستی هم که چندان با این مقوله آشنایی ندارند در زمینه اقدامات محیط زیستی به بیراهه رفته و حفظ محیط زیست را تا حد جمع آوری زباله و یا دادن گوشت و قیمه به پرندگان شکاری آسیب دیده تنزل داده اند که این نوع نگرش هم مینیاتوریزه کردن مسائل و مشکلات محیط زیست می باشد چون که محیط زیست بستر زندگی بوده و تمام جنبه های حیات مادی ما در این بستر اتفاق می افتد. (سادات موسوی، ۱۳۹۶: ۴۸) ما باید به این نکته واقف باشیم که بسیاری از موارد در حوزه اختیارات و مسئولیت دولتها بوده و شهروندان صرفاً با انتخاب دولت های حامی محیط زیست قادر به تأثیرگذاری در آنها هستند. به عنوان مثال در حال حاضر منطقه خاورمیانه هیچگونه ثبات سیاسی ندارد و شعله های جنگ اغلب کشورها را بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در بر گرفته است. کشور ترکیه به منظور ایجاد فشار به کشورهای منطقه اقدام به تغییر رژیم هیدروگرافی و چرخه های هیدرولوژیکی نموده و فقط در قالب پروژه گاپ حدود ۲۰۰ میلیارد متر مکعب آب را در پشت سدها جمع آوری نموده است. تمامی این موارد منجر به آسیب رساندن به محیط زیست می شود که از جمله این آسیب ها می توان بروز پدیده گرد و غبار و نیز تغییرات میکروکلیمایی و ماکروکلیمایی را نام برد (عقیلی، ۱۳۹۷: ۱۵) در این موارد نقش کشور ما به عنوان یک قدرت منطقه ایی که در معادلات جهانی نیز تأثیرگذار است در ایجاد آرامش و همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای منطقه بسیار حیاتی خواهد بود. حال اگر دولتی همانند



دولت احمدی نژاد این حساسیت را به درستی درک نکند ایران را در جهت گرفتار شدن در باتلاق انزوا و در نهایت جنگ پیش خواهد برد که می توان نتایج وحشتناک آن را حدس زد. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۳۶) در حالی که در دولت تدبیر و امید ضمن ایجاد ثبات در منطقه و حتی در سطح جهانی، از یک دیپلماسی توانمند در جهت رفع این موارد بهره برده ایم. قدر مسلم آنکه اگر شهروندان جامعه‌ای مطالبه گر باشند یقیناً دولت ها نیز ناچار به اتخاذ راهکارهای مناسب جهت حفاظت از محیط زیست خواهند بود. (شریف زاده، ۱۳۹۰: ۱۹) اگر بخواهیم در بحث حفاظت از محیط زیست نقشی برای زنان قائل باشیم ضمن تاکید موکد بر حضور در عرصه های اجتماعی، سیاسی و ...، پرهیز از مصرف گرایی و آموزش (هم خودشان و هم فرزندان‌شان) بر این باور هستیم که زنان با آموزش زبان مادری به فرزندان خویش و حفظ آداب و سنن و ارزشها که همگی در تعریف فرهنگ جای می گیرند می توانند نقش مهمی در حفظ تنوع فرهنگی داشته باشند. (سعادت، ۱۳۹۳: ۱۴) لازم به ذکر است که موضوع تنوع فرهنگی بعنوان یکی از سطوح تنوع زیستی در معاهده ۲۰۰۵ پاریس موسوم به CBD مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین رعایت نمودن استانداردهای لازم برای داشتن یک زندگی بهتر و سالمتر تا حد ممکن، بهترین راهکار عملی برای داشتن محیط زیستی سالم می باشد که زنان نسبت به مردان می توانند نقش پررنگتری در این زمینه بازی کنند. بعنوان مثال هر اندازه در پیشگیری از ابتلای به بیماری تلاش کنیم به همان اندازه به حفظ محیط زیست کمک کرده ایم. اگر در تربیت فرزندان بیشتر دقت کنیم تا در آینده افراد مسئولیت پذیر و سالمی باشند ضمن جلوگیری از هدررفت منابع و سرمایه ها، کمک فراوانی به رشد، توسعه و پیشرفت جامعه نموده ایم. (مدنی، ۱۳۹۰: ۸۴)

۷-۴- نقش تشکل های زنان در توسعه پایدار محیط زیست

تکثر و تنوع تشکل های مدنی یا همان سازمان های مردم نهاد (پلورالیسم) در هر جامعه ایی نشان از رشد و توسعه فکری و فرهنگی آن جامعه دارد. این موضوع که تعدادی از زنان پیش قراول متشکل نمودن جامعه کردستان در حوزه حفاظت از محیط زیست هستند یعنی زنان ما ضمن اهمیت دادن به این حوزه، مشکلات و معضلات آن را نیز درک کرده اند که این موضوع جای خوشحالی دارد و از این روست که در حال حاضر تشکل هایی بسیار قدرتمند در حوزه محیط زیست فعال هستند. این پویایی مدیون زنان بزرگواری است که در این راه متحمل زحمات بسیاری شده اند و می توان به نسل های آینده امیدواری بیشتری داشت چرا که امروز موضوعی بنام محیط زیست به یک موضوع فراگیر در سطح جامعه تبدیل شده است هر چند که بخشی از آن متأثر از جنبش های جهانی برای حفظ محیط زیست و به تبع آن بیداری روح محیط زیست در جامعه



ایرانی می باشد (دبیری، ۱۳۹۶: ۱۴) در هر صورت پای کار آمدن این زنان و این تشکل ها می تواند به حفظ زیست بوم منجر شود. البته این نکته را نیز بایستی در نظر داشت که در این عرصه هم هستند زنانی که با شومن بازی و سواستفاده از موضوع در صدد جلب توجه و بدست آوردن موقعیت های اجتماعی برای خویش هستند که در صورت عدم هوشیاری و عدم برخورد با آنان، ممکن است اثرات و تبعات زینباری به دنبال داشته باشد که از آن جمله می توان به بی اعتمادی جامعه به تشکل ها اشاره کرد (حاجیلو، ۱۳۹۹: ۱۸)

۷-۵- تاثیر حضور زنان در شوراها در توسعه پایدار محیط زیست

مشکل اصلی در ارتباط با توسعهی محیط زیست عدم اعتقاد مسئولین، نمایندگان شورا و مجلس و حتی دولت مردان به این مولفه می باشد نه ترکیب جنسیتی. اینکه اگر زنان در کابینه دولت، یا مجلس و شورا حضور داشته باشند دیگر تمام مشکلات ما در این بخش حل خواهد شد نگرش غیر واقع بینانه ای است. بعنوان مثال در دولت گذشته شورای عالی محیط زیست که وظیفه تصمیم گیری در خصوص مسائل مهم را بعهده داشت همچون بسیاری از نهادهای دیگر منحل شد. حتی در مجلس فعلی علیرغم گذشت دوماه از تقدیم لایحه حمایت از محیط بانان به مجلس محترم شورای اسلامی از طرف دولت دکتر روحانی، هنوز هم اعلام وصول نشده است. (فال سلیمان، ۱۳۹۱: ۹۵) ولی روحانی اولین جلسه دولت را به احیای دریاچه ارومیه اختصاص می دهد. دولت هایی همچون احمدی نژاد و ترامپ به محیط زیست باور ندارند و آن را یک شوخی فانتری قلمداد می کنند در حالی که دولت روحانی همراه با دیپلماسی وزارت خارجه، تلاش جدی برای یافتن راه حل های مناسب برای مشکلات و معضلات این حوزه اعم از خشکیدن تالابها، گرد و غبار و ... به کار گرفته است. وجود بستر مناسب فکری و اعتقاد به اینکه محیط زیست بستر توسعه است، پیش شرط لازم برای توسعه آن خواهد بود. یا مثلاً در شورای قبلی شهر سنندج دو نفر خانم حضور داشتند که هر چند اداره کل حفاظت محیط زیست کردستان در راستای فعال نمودن کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر سنندج تلاشهای زیادی نمودند ولی متأسفانه این مهم اتفاق نیفتاد. این در حالی است که وقتی که دکتر روحانی دولت خویش را دولت محیط زیست اعلام می کند اقدامات فراوانی در این خصوص حتی توسط مردان صورت می گیرد مثلاً در وزارت ورزش و جوانان توسط دکتر گودرزی دفتر محیط زیست و توسعه پایدار ایجاد می شود بنابراین قبل از جنسیت، ذهنیت لازمه انجام کار می باشد. البته با توجه به اینکه خوشبختانه دولت روحانی مصرانه از محیط زیست حمایت می کند جا دارد که شوراها و محترم شهر و روستا با بهره بردن از این موقعیت گرانبها در راستای توانمند سازی تشکل ها با محوریت زنان اقدام نماید تا انشاءالله شاهد



رشد و ارتقای شاخص‌های توسعه پایدار در استان کردستان و در سطح ایران باشیم. (مدنی، ۱۳۹۰: ۶۳)

حقوق و مطالعات نوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

محیط زیست سالم یکی از پیش نیازهای توسعه منابع انسانی می باشد که به عنوان بستر ساز توسعه ملی و اقتصادی در جوامع مختلف دارای اهمیت بسیاری بوده و نقش بسزای آن نیز در سرنوشت کشورها مشخص است از جمله عواملی که باعث تخریب محیط زیست میشود شامل افزایش جمعیت گسترش مدیریت نشده کشاورزی چرای بیش از اندازه دام می باشد و تا زمانی که افراد از نتایج مخرب و زیانبار زیست محیطی خود آگاهی کافی نداشته باشد و یا آموزشهای لازم جهت حفظ محیط زیست به آنها داده نشود محیط زیست همچنان در معرض تخریب و انهدام قرار دارد بنابراین باید خطرات زیست محیطی را به وضوح و شفاف بیان کرد و افراد را آگاه ساخت مسلماً نقش زنان و آموزش زنان یکی از مهمترین راه کارهایی است که میتواند از تخریب و انهدام محیط زیست جلوگیری کند آموزش حفاظت از محیط زیست میتواند تاثیر قابل توجهی در تقویت فرهنگ زیست محیطی زنان به ویژه زنان روستایی و رسیدن به اهداف توسعه پایدار داشته باشد لذا باید به زنان آموزش داد که چگونه در راستای حفظ محیط زیست گام بردارند و این اختیار را به آنان داد که در زندگی خویش برای موضوعات محیط زیست و توسعه اهمیت قائل شوند. زنان در پایداری محیط زیست نقش عمده ای دارند. زنان با توجه به نقشی که در عرصه های گوناگون دارند، قادر به تاثیر گذاری بسیار بر محیط زیست هستند. در بسیاری از نقاط دنیا به ویژه نقاط روستایی، زنان از مهم ترین نیروهای درگیر در امر کشاورزی و در نتیجه ارتباط مستقیم با محیط زیست هستند. در این زمینه زنان دارای دانش و تخصص بسیار در مورد مسائل مرتبط با محیط اطراف خود هستند. نقش آنان در کشاورزی، تربیت حیوانات، تهیه آب به ویژه در مناطق کویری، کشت و مراقبت از باغچه های خانگی، مصرف خانوار و ... بسیار پر رنگ بوده و می توانند تاثیر بسیاری بر محیط زیست اطراف خود داشته باشند. همان گونه که مشاهده شد زنان می توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه منابع داشته باشند. با این حال نقش آنان در روندهای تصمیم گیری زیست محیطی چندان ملموس نمی باشد، هر چند که در سال های اخیر زنان نقش پر رنگ تری را در روندهای تصمیم گیری های زیست محیطی بر عهده دارند. با این حال ورود زنان به عرصه تصمیم سازی و ارائه آموزش های لازم به آنان و بالا بردن آگاهی های زیست محیطی و دادن اطلاعاتی در زمینه چگونگی تاثیر گذاری آنان بر محیط زیست اطرافشان، می تواند تا حدی حداقل در سطح محیط زندگی به کاهش تخریب و آسیب به محیط زیست کمک نماید. به علاوه زنان این اطلاعات و آموزش ها را به فرزندان خود منتقل کرده و نسلی تربیت خواهد شد که در عرصه های مختلف حافظ محیط زیست و طبیعت خواهد بود. بنابراین رغم پذیرش موضوع برابری جنسیتی و



توانمندسازی زنان، هنوز هم در سطوح تصمیم گیری، فاصله چشمگیری بین زنان و مردان در مشاغل مرتبط با تصمیم گیری و تصمیم سازی وجود دارد. بنابراین زنان عملاً اقدامات عملی بیشتری در جهت حفاظت از محیط زیست و استفاده بهینه از منابع انجام می دهند و در زندگی روزانه خود بیشتر از مردان در جهت حفظ محیط زیست اقدام می کنند. بنابراین افزایش حضور زنان در روندهای تصمیم سازی زیست محیطی نه تنها آگاهی آنان را نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش خواهد داد بلکه می تواند با انتقال دانش و تجارب روزانه، آنها را به مشارکت فعالانه تر در برنامه های مختلف ترقیب نماید و در کل موفقیت طرح های حفاظت از محیط زیست را افزایش دهد.

پیشنهادات: ۱- تخصیص اعتبار عمرانی تعریف شده جهت تدوین و اجرای طرح جامع پایش و مدیریت محیط زیست و همچنین اجرای برنامه های کاهش آلاینده های زیست محیطی.

۲- تأکید بر اجرایی نمودن مصوبه هیئت محترم وزیران در خصوص پیشگیری و مقابله با آلودگی زیست محیطی.

۳- تأکید بر ضرورت بازنگری و تدوین قوانین و مقررات حاکم بر محیط زیست.

۴- تأکید بر همکاری و هماهنگی سازمان های مرتبط با محیط زیست اعم از سازمان های دولتی، نهاد های غیر دولتی و بخش خصوصی در اجرایی نمودن فعالیت های مشترک در راستای پایش، مدیریت و حفاظت از محیط زیست کشور و احیاء و بازسازی زیستگاه های آسیب دیده.

۵- بهره گیری از ظرفیت شورای عالی حفاظت محیط زیست کشور در راستای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست.

۶- تأکید بر حفاظت و بهره برداری پایدار از منابع طبیعی در اهداف و برنامه های همکاری شورای عالی.

۷- تصویب و اجرای مصوبات کمیته حفاظت محیط زیست و کنترل آلودگی.

۸- حمایت از تشکیل مرکز اجرای کنوانسیون های چند جانبه زیست محیطی.

۹- تسریع در تصویب و ابلاغ پیش نویس استانداردهای تدوین شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست.



در خاتمه پیشنهاد می‌شود سازمان‌هایی چون: محیط زیست، بهداشت، منابع طبیعی، برنامه و بودجه، نهادهای مسئول دیگر، چگونگی و مقدار خسارات و غرامت و هزینه‌های نگهداری آوارگان و آلودگی‌هایی که در این بخش و سایر بخش‌ها بدان فهرست وار اشاره شد را دقیقاً بررسی و بدون فوت وقت در مراجع و دادگاه‌های بین‌المللی مطرح و استیفای حقوق پایمال گشته ملت ایران را از دولت‌های مسبب آن ادعا کنند.

حقوق و مطالعات نوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- ۱- آصفی راد، زهرا، (۱۳۹۸)، بررسی نقش زنان روستایی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش سیمای زن در جامعه (زن و محیط زیست)، دانشگاه الزهرا.
- ۲- بوذر جمهوری، خ. نایب زاده، ف. (۱۳۹۶)، ارزشیابی طرح تسهیل گران زن روستایی در ایجاد ارتباط دو سویه و افزایش مشارکت زنان روستایی در عرصه های مختلف توسعه روستایی « پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳.
- ۳- حاجیلو، ف. خانی، ف. تقوی، ن. و مقدم واحد، م. (۱۳۹۹)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیل گران زن در ایجاد گروه های مستقل زنان روستایی مطالعه موردی آذربایجان شرقی « روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱.
- ۴- حایری پور، س. بهجتی، الف. (۱۳۹۸)، بررسی پارامترهای افزایشنده نقش مشارکت زنان در مدیریت مواد زائد جامد در شهر تنکابن « ششمین همایش ملی و اولین همایش بین المللی مدیریت پسماند. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۵- دبیری، فرهاد و مزده کیانی، (۱۳۹۶)، «بررسی قوانین و مقررات پیش گیرانه از جمله ارزیابی اثرات زیست محیطی در کشور ایران و چند کشور صنعتی»، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، زمستان، شماره ۴.
- ۶- روشندل، حشمت، (۱۳۹۴)، بررسی نقش زنان روستایی در توسعه روستاها (مطالعه موردی: شهرستان گرگان)، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۷- ریحانیان، الف، (۱۳۹۲)، «مدیریت نقش زنان در توسعه پایدار» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۸- زرافشانی، ک، (۱۳۹۴)، تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی - ترویجی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳.



- ۹- سادات موسوی، سید محمد جعفر، (۱۳۹۶)، «صنعت پتروشیمی و چالش‌های زیست‌محیطی»، مجله توسعه پایدار و محیط‌زیست، سال اول، شماره دوم.
- ۱۰- سعادت، ن.، کریمی، د. و منوری، س.م. (۱۳۹۳)، بررسی نیازهای آموزشی زیست محیطی دانش آموزان استان خوزستان، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره شانزدهم، شماره ویژه ۹۳.
- ۱۱- شریف زاده، الف. و شریفی، م. (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش تسهیل‌گرانه کارگزاران ترویج کشاورزی» مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، جلد شانزدهم.
- ۱۲- صالحی، ص.، پازوکی نژاد، ز.، و امامقلی، ل. (۱۳۹۲)، آموزش و پرورش و محیط زیست، نگرش، آگاهی و رفتارهای زیست محیطی دانش آموزان، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم.
- ۱۳- عزیزی، مریم؛ شبیری، سیدمحمد؛ مهدی زاده، حسین، (۱۳۹۳)، بررسی روش های آگاه سازی و دانش افزایی زنان خانه دار شهر ایلام در زمینه حفاظت از محیط زیست. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور تهران.
- ۱۴- عسگریان دهکردی، ف و خسروی پور، ب. (۱۳۹۱)، «تحلیل نقش تسهیل‌گران در افزایش مشارکت زنان روستایی به منظور پیشرفت در توسعه پایدار کشاورزی» اولین همایش ملی کشاورزی پایدار و تولید محصول سالم.
- ۱۵- عظیمی، م.، کرمی، ع. و غلامی، م. (۱۳۹۸)، افزایش دانش زیست محیطی همگانی با تاکید بر آموزش محیط زیست، چهارمین همایش ملی آموزش، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- ۱۶- عقیلی، سید وحید، (۱۳۹۷)، خلیج فارس، محیط زیست، توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس.
- ۱۷- فال سلیمان، م. علوی، ک. و صادقی، ح. (۱۳۹۱)، «بررسی جایگاه زنان در جریان پروژه بین المللی ترسیب کربن با تأکید بر توسعه پایدار (نمونه مورد مطالعه: نواحی روستایی شهرستان سربیشه)» اولین همایش ملی بیابان، تهران: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- ۱۸- فیروزی، مهدی، (۱۳۸۴)، حق بر محیط‌زیست، پایان نامه برگزیده سال دانشجویی، دانشگاه مفید، کارشناس ارشد حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی.



- ۱۹- لهسایی زاده، ع. محمدی نیا، ط. (۱۳۹۵)، «عوامل اقتصادی- اجتماعی نقش عملکرد زنان بر حفظ محیط زیست در شهر لپویی استان فارس» جامعه شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۱۲.
- ۲۰- مجلسی، منیره، (۱۳۸۹)، تغییر الگوی مصرف گامی به سوی کاهش آلودگی محیط زیست، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش سیمای زن در جامعه (زن و محیط زیست)، دانشگاه الزهرا.
- ۲۱- محمدرزاده، م.، اللهیاری، م.ص. و انصاری، م. ح. (۱۳۹۴)، نیازهای آموزشی کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی گیلان در اجرای کشاورزی دقیق، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۲.
- ۲۲- مدنی، ف و مدنی، ل. (۱۳۹۰)، بررسی نقش مؤثر زنان روستایی در مدیریت منابع آب (مطالعه موردی دشت اردبیل)». همایش بین المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، دانشگاه یزد.
- ۲۳- وسکوئی اشکوری، ن. لاهیجانیان، الف. (۱۳۸۹)، «بررسی نقش آموزش زیست محیطی در مدیریت زیست محیطی زنان روستایی (مطالعه موردی: مناطق غرب استان مازندران» فصلنامه علوم و فنون منابع طبیعی، سال پنجم، شماره چهارم.
- ۲۴- ویسی، ه. (۱۳۹۰)، تبیین نیازهای آموزشی زیست محیطی زنان خانه دار: مطالعه موردی زنان خانه دار منطقه ۱۲ تهران، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، سال ۷، شماره ۲.
- ۲۵- یوسفیان، جواد، (۱۳۸۹)، نقش زنان به ویژه زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست، مقاله ارائه شده در هشتمین همایش سیمای زن در جامعه (زن و محیط زیست)، دانشگاه الزهرا.



Examining the position of women's participation and their role in environmental law developments with an approach to international systems

Hadis Nouri Lanjan Noukabadi¹

Abstract

Examining the efforts of the United Nations, in the two areas of increasing women's rights and protecting the environment, shows the great importance of women's participation in the international arena. Giving a role to women and their non-governmental organizations in protecting the environment and achieving sustainable development is very important, and for this reason, various international documents have recognized the participation of these actors. The upcoming research seeks to study the position of women in a part of public international law, i.e. the branch of international environmental law, and wants to show international transformations about the participation of women, as one of the important and vital players in international environmental law. The results of this research show that women are actually the creators of sustainable development culture. The efficient and active presence of women as well as their empowerment in the framework of improving the standard of living, participation in major development decisions and their achievement of an equal position in the light of economic and social growth as well as the education of environmental issues makes the process of education and as a result Environmental protection has penetrated to the innermost layers of society and without incurring excess costs, many members of the society have been indirectly educated, and considering the multifaceted responsibility of women and their role in educating future generations, environmental culture be institutionalized.

keywords: Participation, women, international law, environment.

¹ Master's student in International Law, Najaf Abad Azad University, Isfahan.
(Corresponding Author)
hadisnoor388@gmail.com

